

گونه‌شناسی تحولات و ساختار قدرت نظامی مُرابطون (۴۴۱- ۵۴۱ هـ.ق / ۱۰۴۹- ۱۱۴۷ م)

محمدحسن بهنام فر*

چکیده:

مُرابطون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دولت‌های اسلامی در قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی، پس از تثبیت قدرت و ایجاد مشروعیت، مغرب و اندلس را تحت حاکمیت خود درآوردند. آن‌ها نخست جنبش خود را در صحرا ایجاد کرده و سپس با برنامه‌ریزی منظم و تحول تشکیلات نظامی، موفق شدند دولتی منسجم ایجاد کنند. برتری بر قبایل مختلف مغرب و تسلط بر آن‌ها از یک طرف و حضور در اندلس و جهاد در برابر مسیحیان از طرف دیگر، باعث شکل‌گیری قدرت سیاسی مُرابطون گشت. براین اساس بررسی و تحلیل تحولات، ساختارها و تشکیلات نظامی مُرابطون در استقرار حاکمیت آن‌ها، اهمیت بسزایی دارد. از این رو پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر منابع این دوره تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی باعث شکل‌گیری قدرت نظامی مُرابطون شد؟ و مُرابطون چه تغییراتی در تشکیلات نظامی ایجاد کردند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مُرابطون در ابتدا از ظرفیت‌های مغرب برای ایجاد قدرت نظامی سود جست و حاکمیت خویش را تثبیت کردند، سپس ساختار ارتش را سامان داده و با طرح جهاد به اندلس راه یافتند. آن‌ها در این مرحله به توسعه ارتش، نوآوری و برنامه‌ریزی جهت نبردهای مختلف مبادرت ورزیدند.

واژگان کلیدی: مُرابطون، مغرب، تحولات، تشکیلات نظامی.

* استادیار، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی اسفراین، گروه معارف اسلامی، اسفراین، خراسان شمالی،
ایران. behnamfarb@gmail.com

مقدمه

مغرب اسلامی^۱ در قرون پنجم و ششم هجری یکی از پرچالش‌ترین و مهم‌ترین مناطق جهان اسلام به شمار می‌رفت. گسست قدرت پس از فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ هـ / ۹۰۹-۱۱۷۱ م) منجر به ضعف و اختلافات شده بود. دولت‌ها در اوج ستیز با یکدیگر در حال تجزیه بودند و سلطه مسلمین بر دریای مدیترانه، به علت پیشرفت مسیحیان و سقوط سیسیل به دست نورماندی‌ها^۲ از یک سو، و ناسازگاری زیریان^۳ (۳۶۱-۵۴۳ هـ / ۹۷۲-۱۱۴۸ م) با حمادیان^۴ (۴۰۵-۵۴۷ هـ / ۱۰۱۵-۱۱۵۳ م) از سوی دیگر کم‌رنگ شده بود. در اثر کاهش قدرت خلافت عباسی، جنگ و دشمنی قبایل بربر با یکدیگر در مغرب اسلامی نیز شدت گرفته بود و در کش و قوس‌های فراوان اولین تجربه دولت‌های بربری آغاز گشت. قبایل صنهاجی موفق شدند، نخستین دولت مقتدر بربر را در مغرب اقصی پایه‌گذاری کنند (۴۴۱-۵۴۱ هـ / ۱۰۵۰-۱۱۴۷ م). جنبش قبایل صنهاجی یک حرکت نظامی بود که در ابتدا براساس اندیشه دینی و ساختارهای قبیله‌ای در مغرب شروع به کار کرد و پس از شکل‌گیری هسته‌های اولیه توانست قدرت نظامی خود را در مغرب مستحکم کرده و به اندلس راه یابد. مرحله ابتدایی این جنبش در صحرا، شکل گرفت. آن‌ها که شعبه‌هایی از صنهاجه مانند: گداله، مسوفه، کم‌تونه و جزوله شمرده می‌شدند (ابن خلدون، ۲۰۰۱: ۷۳/۱) به مناطق جنوبی مغرب، یعنی صحرا آمده و در ناحیه سنگال مستقر گشتند (ابن زرع، ۱۹۳۶: ۷۵). ملثمین (نقابداران) عنوانی بود که در ابتدا به آن‌ها اطلاق می‌شد (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۷) و دلالت بر شکل خاصی از جنبش سیاسی و نظامی داشت. اگرچه دلایل متعددی برای این امر ارائه شده^۵، اما به نظر می‌رسد

۱. مغرب اسلامی یا مغرب عربی، سرزمین وسیعی از غرب مصر تا اقیانوس اطلس را در برمی‌گیرد و به سه بخش ادنی، اوسط و اقصی تقسیم می‌شود (زغلول، ۱۹۶۴: ۱/۶۴؛ ذنون طه، ۲۰۰۴: ۱۱).

۲. Normandy یا Normandie: نورماندی به منطقه‌ای جغرافیایی واقع در شمال غربی فرانسه گویند.

۳. بنی زیری یا زیریان؛ بنی زیری بن مناد صنهاجی از قبیله تلکاته بودند. تلکاته یکی از قبایل بزرگ صنهاجی بود که در شمال مغرب میانه و منطقه جبال اوراس تا غرب زیستگاه‌های کنامه و متحدانشان سکونت داشتند (مونس، ۱۳۸۴: ۱۲۴/۲).

۴. بنی حماد یا حمادیان، گروهی از قبیله زُناته بودند که از فاطمیان جدا شده و در صحنه سیاسی شمالی افریقا درخشیدند (عویس، ۱۴۱۲: ۹۳).

۵. عنوان ملثمین به سبب نقابی بود که بر چهره داشتند (ابن خلدون، ۱۹۵۹: ۶/۲۴۱) تا از شر دشمنان غیرمسلمان خود در امان باشند (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۹) و از گرمای سوزان آفریقا مصون بمانند (ابن زرع، ۱۹۳۶: ۷۸).

اتخاذ این عنوان به نحوی موجودیت جنبش قبیله کمتونه را نشان می‌داد و تبدیل به شعاری شد برای کسانی که تحت حاکمیت آن قرار می‌گرفتند. مُحَمَّدِ بْنِ تِيفَاوْت کمتونی از اولین افرادی بود که آن‌ها را رهبری کرد (ابن ابی دینار، ۱۹۶۷: ۱۰۱). پس از او دامادش یحیی بن ابراهیم و سپس یکی از عالمان مالکی مغرب به نام عَبْدُ اللَّهِ بْنِ يَاسِينَ جَزُولِي (م ۴۵۱هـ/ ۱۰۵۹م) جنبش را تداوم دادند (ابن اثیر، ۱۹۶۷: ۸/ ۳۲۸). عَبْدُ اللَّهِ بْنِ يَاسِينَ، رباطی در کنار رود سَنگَال بنا کرد و آن‌ها را «مُرابطون» نام نهاد^۱ (ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۷۵). بنابراین با استقرار در صحرا و ایجاد رباط‌هایی به شکل اردوگاه، مُرابطون به عنوان جنبشی دینی و نظامی فعالیت نموده و به گسترش اسلام و جهاد با کفار پرداختند. در همین نبردها، یوسف بن تاشفین (۴۰۰-۵۰۰هـ/ ۱۰۰۹-۱۱۰۶م) از خود رشادت نشان داده و فرماندهی سپاه را برعهده گرفت (حلیل الموشیة، ۱۹۷۹: ۲۴). یوسف در سال ۴۵۴هـ/ ۱۰۶۲م فاس^۲ (ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۹۰؛ ابن خلدون، ۱۹۵۹: ۵/ ۱۹۰) و تلمسان^۳ را فتح نمود (نصرالله، ۱۴۰۵: ۵۱). او پس از تأسیس مراکش (ابن خلدون، ۱۹۵۹: ۵/ ۱۹۰) در ۴۷۹هـ/ ۱۰۸۶م و استقرار قدرت در مغرب، عازم اندلس شد. بر این اساس آنچه از زاویه این پژوهش مهم به نظر می‌رسد، گونه‌شناسی ساختار قدرت نظامی مُرابطون به عنوان یکی از دولت‌های اسلامی در قرن پنجم و تحلیل تدابیر جنگی آن‌ها می‌باشد. مسئله اصلی آن است که چه عواملی باعث شکل‌گیری ساختار قدرت مُرابطون با توجه به شرایط قرن پنجم هجری در مغرب گشت و همچنین تشکیلات نظامی آن‌ها که قدرت سیاسی را ساماندهی می‌کرد، چگونه بود؟ با بررسی منابع چنین به نظر می‌رسد از آنجا که دولت مُرابطون، دولتی نظامی بود، در مرحله ابتدایی از ظرفیت‌های منطقه‌ای و قبایل برای پایه‌های قدرت سود جسته و حاکمیت خویش را تثبیت کردند. در مرحله بعد با بسط حکمرانی در مغرب و اندلس، تشکیلات نظامی و ساختارهای سازمانی ارتش را منسجم و مدون ساختند. این امر آن‌ها را برای تقابل با قبایل

همچنین نقاب آنها به سبب اینکه تفاوت بین زن و مرد در عرصه نبرد نباشد، استفاده می‌شد (ابن وردی، ۱۴۱۶: ۳۴۶)

۱. نویری اطلاق رباط را دلالت بر رویکرد متصوفانه و رویه زاهدانه آنها دانسته است (نویری، ۱۹۵۵: ۶/ ۱۹۹)
 ۲. فاس (Fès): این شهر در نیمه اول قرن سوم هجری توسط ادريس دوم بنا شد (ياقوت حموی، ۱۹۵۷: ۴/ ۲۳۰؛ ابن خلدون، ۱۹۵۹: ۱۷/۳)
 ۳. تلمسان (Tlemcen): شهری باستانی و بربرنشین، مرکز «مغرب الاوسط» و دروازه ورود به مغرب الاقصی است (بکری، ۱۹۶۵: ۷۶-۷۷).

مغرب و مسیحیان اندلس، آماده ساخت و با اتخاذ مفهوم جهاد و تدابیر جنگی، دولت خود را گسترش دادند. مُرابطون در یک دوره شصت‌ساله (۴۸۳-۵۲۴هـ/ ۱۰۹۰-۱۱۳۰م) با دولت‌های قشتاله و لیون، آراگون، پرتغال و بارسلون جنگیدند؛ اما آنچه مُرابطون را از پا درآورد، در مغرب و توسط جنبشی به رهبری محمدبن تومرت بود (ابن خطیب، ۱۹۷۷: ۱/۱۷۳). مُرابطون یکی از بهترین دوره‌های تاریخی مغرب و اندلس را در قرن پنجم رقم زدند.

پیشینه پژوهش

با بررسی تحقیقاتی که در خصوص مُرابطون به زبان فارسی صورت گرفته، مشهود است که به موضوع این پژوهش اشاره‌ای نشده است: محققانی که به زبان فارسی تاریخ مغرب اسلامی را مورد پژوهش قرار داده‌اند، در میانه مطالب، بخشی را به دولت مرابطون اختصاص داده که از آن جمله می‌توان به کتاب *مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی*، عبدالله ناصری طاهری (۱۳۸۸: ۸۳-۶۹) و کتاب *تاریخ تحلیلی مغرب*، محمدرضا شهیدی پاک (۱۳۸۹: ۳۷۲-۳۱۵) اشاره کرد. همچنین جلد دوم تاریخ و تمدن مغرب، حسین مونس (۱۳۸۴: ۲/ ۲۸۵-۲۲۹) که به فارسی ترجمه شده، در بخش مُرابطون، تأکید بر رویکرد صُنهاجی و مقابله با اندیشه‌های فاطمیان داشته است. در اثر محمد عبدالله عنان (۱۳۶۹) *تاریخ دولت اسلامی در اندلس* مطالب ارزشمندی از روند قدرت‌گیری و تحولات دولت مُرابطون در اندلس دیده می‌شود و مطالبی در خصوص تحولات نیروهای نظامی آن‌ها دارد. در میان تحقیقات فارسی، محمدرضا شهیدی پاک در مقاله «تحول اندیشه‌های فلسفی - کلامی در دوره مُرابطین»^۱ تأکید بر جنبه فلسفی اندیشه‌های مرابطون داشته است. محمد حسن‌بیگی نیز با مقاله «کاربست نظریه بسیج منابع در تبیین جنبش اجتماعی مُرابطون»^۲ با استفاده از چهارچوب نظری «بسیج منابع» جنبش اجتماعی مُرابطون را تا شکل‌گیری حکومت، تحلیل و ارزیابی کرده است. همچنین مقاله نسرین رهبری و سیداحمدرضا خضری با عنوان: «کاربست مذهب در سیاست داخلی مرابطین»^۳ تأثیر مذهب مالکی را در سیاست داخلی و بخش‌های مختلف دولت مرابطون تحلیل کرده‌اند.

۱. مجله تاریخ اسلام (دانشگاه باقر العلوم قم)، تابستان ۱۳۸۰، شماره ۸، صص ۴۵-۷۰.

۲. فصل‌نامه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۲۳-۵.

۳. فصل‌نامه تاریخ اسلام، سال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۶۷-۸۵.

در میان تحقیقات عرب‌ها در حوزه مُرابطون آثار و تحقیقات ارزشمندی می‌توان مشاهده کرد: سعدون نصرالله (۱۴۰۵) تحولات تاریخی مُرابطون در دوره یوسف بن تاشفین را مورد بررسی قرار داده است. عادل عواد طائی در مقاله‌ای تحركات نیروهای نظامی مُرابطون^۱ و در مقاله دیگر به ابزارآلات نبرد و شیوه‌های مقابله با دشمنان با استفاده از وسایل جنگی (۲۰۱۴) پرداخته است. همچنین در میان مستشرقین می‌توان گومز ریواس (۲۰۲۱) را نام برد که مشروعیت مُرابطون در ارتباط با خلافت عباسی را مورد تحلیل قرار داده است.

الف) ساختار قدرت نظامی مُرابطون

۱- شکل‌گیری قدرت نظامی

دولت مُرابطون، از بدو تأسیس، یک دولت نظامی و جهادی بود (عنان، ۱۳۶۹: ۳/ ۴۳۰؛ اشباح، ۱۹۵۸: ۴۱۷) و پس از تحکیم پایه‌های قدرت، گسترش مرزها و ایجاد دولت، تشکیلات اداری و دیوانی در آن توسعه یافت، با این وجود شخصیت نظامی همچنان بر آن غلبه داشت (عبادی، ۱۹۵۸: ۱۰۴) ارتش مُرابطی بسته به ماهیت دولت و مراحل تأسیس آن دو مرحله اصلی و مشخص را پشت سر گذاشت:

۱-۱. مرحله اول در رباط ابن یاسین؛ در این مرحله با توجه به مقتضیات جنبش مُرابطون در فرآیند شکل‌گیری و نزاع با قبایل متعدد، رویکرد قبیله‌ای و تجهیزات ارتش محدود و بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های مذهبی قرار داشت. مُرابطون در راستای تحقق اهداف خود از شاخصه‌های فرهنگی بربرهای شمال آفریقا استفاده کردند. شاخصه نخست روحیه خشن، بدوی، تصلب و تعصب قومی بربرهای شمال آفریقا بود که از این روحیه برای سامان‌دهی نیروهای اجتماعی قبایل بربر و شکست رقبای زناتی خود بهره بردند. دومین شاخصه گرایش به سمت مذاهب خشک و غیرقابل انعطاف اسلامی بود (حسن‌بیگی، ۱۳۹۶: ۱۳). مُرابطون در جایی رشد کردند که تعصب قبیله‌ای نقش برجسته‌ای در آن داشت و همه آن‌ها با یک هدف، یعنی جهاد در راه خدا و گسترش دعوت اسلامی با رویکردی جدید گرد هم آمدند (عنان، ۱۳۶۹: ۳/ ۴۲۶؛ زغروت، ۲۰۰۹: ۵۹). اولین حضور ارتش مُرابطی در دوران رباط عبدالله بن یاسین بود که پیروانش را به جهاد و دفاع از سرزمین‌های خود فراخواند (ابن ابی زرع،

۱. «مفهوم التقوی عند المرابطين، دراسه فی التاريخ العسکری» مجله، عصور الجدیده، العدد ۷-۸، جامعه وهران، ۲۰۱۳، صص ۶۸-۷۶.

۱۹۳۶: ۱۲۵). ابن یاسین که تحصیلات دینی داشت با مشاهده تظلم زناتیان بر صُنْهَاجی‌ها، با تلاش‌های فراوان در تهذیب اخلاق و سختگیری نظامی کوشید و دولت بربرهای صُنْهَاجی را پایه‌گذاری کرد. او به‌خوبی می‌دانست چگونه روحیه جنگاوری را در نیروهای مُرابطی بالا ببرد. از نظر او جنگ وسیله‌ای برای دفاع از خود یا سرقت و غارت نیست، بلکه یک هدف متعالی دارد و آن‌هم دفاع از دین و جهاد در راه خداست. او سخت تلاش کرد تا طبقه‌ای از سربازان را ایجاد کند که هراسی از مرگ نداشته و با تمام شجاعت و قدرت در نبردها حاضر باشند (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۲۲؛ سلای ناصری، ۱۹۵۴: ۸-۱۰؛ محمود، ۱۹۵۷: ۱۵۹) هسته اولیه ارتش مُرابطون در رباط ابن یاسین حدود هزار مرد جنگی که بیشتر از قبایل صُنْهَاجی بود، تشکیل شد. در مرحله تأسیس، اطلاعات چندانی از نظم جمعی و ساختار اداری نداشته (ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۱۲۵) همچنین با سلاح‌های سنگین آشنا نبوده و خود را با سلاح‌های سبک و متناسب با طبیعت ساده بادیه‌نشین مسلح می‌کردند (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۲۲). مُرابطون در این مرحله از آنجا که بیشتر با قبایل در تقابل بودند، نیل به نبردهای صحرائی داشته و به سمت جنوب مغرب یعنی صحرا می‌رفتند (سلای ناصری، ۱۹۵۴: ۱۸۹)، زیرا آن‌ها بادیه‌نشین بوده که کاملاً به شترها وابسته و اسب زیادی نداشتند و پیاده‌روی را ترجیح می‌دادند (عنان، ۱۳۶۹: ۳/۴۳۰؛ بکری، ۱۹۶۵: ۱۶۶).

با بررسی منابع چنین به نظر می‌رسد که تمایل به صحرا بیشتر تأکید بر جنبه اقتصادی داشته است، چه بسا که مُرابطون در ابتدای جنبش توجه خاصی به دستیابی راه‌ها و مسیرهای تجاری مغرب داشتند (حرکات، ۲۰۰۰: ۱/۱۵۷). آن‌ها به‌وضوح کنترل تجارت نمک و جاده طلا به شمال را به دست آوردند و به‌این ترتیب دستیابی به سرزمین غنا یکی از اهداف اصلی جنبش مُرابطون به شمار می‌رفت (Masonen and Fisher, 1996: 197-232) از این رو ابن یاسین سَجْلَمَاسَه را به‌عنوان نخستین هدف نظامی خود برگزید؛ زیرا این شهر بزرگ‌ترین ایستگاه تجاری و دروازه صحرا بود که بازرگانان به آنجا می‌آمدند. منطقه سوس، هدف بعدی مُرابطون بود و اگرچه در این آوردگاه ابن یاسین جان خود را از دست داد (ابن اثیر، ۱۹۶۷: ۸/۳۲۹) اما جنبشی از خود به‌جا گذاشته بود که با هماهنگی گروه‌های قومی در تحقق آرمان‌های سیاسی خود تلاش کردند. براین اساس جدا از صُنْهَاجی، قبایل دیگری چون مَصْمُودی نیز به مُرابطون پیوستند و ارتش مُرابطی گسترده‌تر گشت.

۲-۱. مرحله دوم با روی کار آمدن یوسف بن تاشفین و شکل‌گیری نهاد حکومتی؛ یوسف بن تاشفین موفق شد جنبش مُرابطون را از مرحله صحرا به دولت در مَرَاکش متحول کند. او

ساختارهای اداری و سازمانی را تشکیل داد و مُرابطون را به دولتی قدرتمند تبدیل ساخت (عنان، ۱۳۶۹: ۳/ ۴۳۰). ارتش مُرابطون در دوره یوسف برای نبردهای شرایط سخت سازماندهی شد، به دنبال آن، بسیاری از قبایل به مُرابطون پیوستند (مرینی، ۱۹۹۷: ۲۵). یوسف دامنه حاکمیت مُرابطون را از صحرا به قسمت‌های شمالی کوه‌های اطلس و فراتر از آن به اندلس کشاند. استفاده از اسب در کنار شتر در سپاه مُرابطون برنامه‌ریزی گشت و نبردهای کوهستانی، دریایی و حضور در مناطق مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس می‌بایست تحولاتی در نگرش نظامی مرابطون اتفاق می‌افتاد.

نکته ابتدایی اینکه مرابطون از ساختار قبیله‌گرایی خارج و تبدیل به دولت شده بودند و باید علاوه بر صُنْهاجی‌ها، همه گروه‌ها و اقوام در نیروهای نظامی حضور می‌داشتند. یوسف وجود روح برادری و وابستگی متقابل در بین همه اعضای ارتش را تقویت کرد. این امر از هرگونه نزاع‌های قبیله‌ای جلوگیری می‌کرد زیرا سپاهیان مُرابطی متشکل از قبایل متعدد، نژادهای مختلف و گروه‌های پراکنده شده بود. ارتش مُرابطی با استمداد از آیات قرآن^۱ و ایجاد رابطه برادری بین همه، پیوند مجاهدین را تقویت کرد و آن‌ها را در برابر دشمنان متحد و مستحکم ساخت (Thomron, 1969: 165). جالب اینجاست که این تنوع و گوناگونی منجر به ایجاد یک ملت واحد و به‌هم‌پیوسته شد (مرینی، ۱۹۹۷: ۲۶). به نظر می‌رسد که ساختار نظامی مُرابطون پس از مدتی با مشارکت گروه‌های مختلف نظامی و اداری مستحکم شد (طرطوشی، ۱۳۰۶: ۱۴۵). با حاکمیت یافتن یوسف بن تاشفین در مغرب، گروه‌هایی از حومه اندلس مضطرب و نالان نزد یوسف آمده و از او برای نجات اسلام تقاضا کمک کردند. یوسف به سخنان آن‌ها گوش داد و خود را برای کمک به آن‌ها مجاب کرد (مقری، ۱۹۶۸: ۳۵۹-۳۶۰). یوسف قبل از هر اقدامی، تصمیم گرفت که با ایجاد مفهوم «جهاد» و متحد کردن امرای منطقه مناسب‌ترین روش برای دفاع در برابر پیشروی مسیحیان اتخاذ کند. جهاد عمده‌تاً در گفتمان‌های مربوط به حکومت مشروع اسلامی نقش داشته است (Bennison, 2016: 7) مسئله جهاد هم در فقه مالکی جایگاهی داشت و هم توجه مناسبی برای ایجاد مشروعیت سیاسی مرابطون در اندلس می‌گشت^۲. گرایش به جهاد از آغاز از خصایص ویژه مُرابطون بود و این امر در اندلس به اوج رسید (عنان، ۱۳۶۹: ۳/ ۴۳۲; Messier, 2010: 176)

۱. حجرات: ۱۰

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب: Amira K. Bennison, *Jihad and its Interpretations in Precolonial Morocco*, London: Curzon, 2002

در مرحله بعد، پس از گسترش فتوحات اسلامی در مغرب و نفوذ در اندلس نیاز به سلاح‌ها و وسایل حمل و نقل جدید بیشتر احساس شد. بدین منظور برای رویارویی با دشمنان، به اندیشه سلاح‌های سنگین، وسایل دفاعی و حمل و نقل روی آوردند. بدین ترتیب دولت مُرابطی شروع به افزایش قدرت نظامی کرد و برای آموزش ارتش خود به آخرین روش‌ها و هنرهای رزمی هزینه‌های زیادی خرج نمود؛ بنابراین سلاح‌های جدید، زره و تنوع وسایل حمل و نقل مهیا گشت (نصرالله، ۱۴۰۵: ۲۵).

در نهایت، با توسعه و گسترش ارتش و تشکیلات نظامی، نیاز به عناصر جدید و تنظیم سیستم اداری که آن را کنترل کند، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. مُرابطون پس از بسط قدرت و تشکیل امپراتوری متوجه شدند که نبرد را نمی‌توان تنها با سواره‌نظام و پیاده‌نظام و یا به شکل قبیله‌ای پیش برد، بلکه پیروزی و استمرار قدرت، مستلزم برنامه‌ریزی مدون و هماهنگی بخش‌های مختلف ساختار سازمانی دولت و تشکیل یک نظام مرکزی قدرتمند است (دیری، ۱۹۸۴: ۲۱) آن‌ها برخلاف مسیحیان اندلس که به نبردهای فردی در جنگ عادت کرده بودند (Menéndez, 1934: 216)، توانستند ارتش را با تشکیلات و سازمان‌های متعدد وارد نبرد کنند؛ بنابراین نیروهای نظامی و ارتش مُرابطون، گسترده شده و پس از فتوحات و پیروزی‌های بزرگ، تبدیل به ارتشی دائمی و خطرناک گشت.

۲- عناصر

مُلَّثَمون یا مُرابطون: آن‌ها اولین هسته در ارتش مُرابطی (عبادی، ۱۹۵۸: ۱۰۷) متعلق به قبیله کمتونی و فرزندان کمت، جداله، ستوف و منتسب به صُنهاجه بودند. بزرگان کمتونی بعدها در دستگاه دولتی مُرابطون حضور داشتند (حلی الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۷) بار اصلی دولت بر دوش آن‌ها بود. این گروه در بین همه معروف به «مُلَّثَمون» بودند و در جنگ‌ها رشادت، از چیزی بیم و هراس نداشته و مشارکت بسیاری از خود نشان می‌دادند.

حَسَم: این گروه پس از استقرار دولت مُرابطون در دوره یوسف به آن‌ها پیوستند (مرینی، ۱۹۹۷: ۲۵) آن‌ها یکی از مهم‌ترین گروهان‌های ارتش به حساب می‌آمدند. حَسَم در دولت اموی سربازان مزدوری بودند که از اروپا و آفریقا به اندلس آمده بودند اما در دولت مُرابطون، نظرات متفاوتی در مورد قبیله آن‌ها و عناصر تشکیل دهنده آن وجود دارد. برخی معتقدند که آن‌ها عنصری از قبایل مختلف خارج از هسته اصلی مُرابطی انتخاب شده بودند (عبادی، ۱۹۵۸: ۱۰۸) و گروهی دیگر بر این باورند: چون یوسف بن تاشفین قدرت یافت،

منطقه جزوله را در تصرف درآورد و تمامی قبایل کمطه، زَناتَه و مَصْمُوده به او پیوستند. به دنبال آن، یوسف آن‌ها را «الحشم» نامید (حلیل الموشیه، ۱۹۷۹: ۲۲؛ عنان، ۱۳۶۹: ۳/۴۲۶؛ عبادی، ۱۹۵۸: ۱۰۹؛ نصرالله، ۱۴۰۵: ۱۷۰).

عرب: این گروه بیشتر از اندلس به مغرب وارد شده و در نبردهای مُرابطون مخصوصاً در فتح اندلس از مهم‌ترین گروه‌های فعال به شمار می‌رفتند (حسن، ۱۹۸۰: ۳۱۹). حضور عرب‌ها در مغرب بیشتر در دوره ادیسی‌ها و در شهرهای فاس، سبتَه و طَنجَه بوده است (عبادی، ۱۹۵۸: ۱۱۰؛ مرینی، ۱۹۹۷: ۲۵).

مسیحیان: گروهی از مسیحیان معاهد که در دوره یوسف برای نگهبانی استفاده می‌شد. این گروه در عهد علی بن یوسف رشد پیدا کرده و در لشکر مُرابطون خود جناح بزرگی تشکیل دادند. آن‌ها در کنار لشکر مُرابطون در جنگ‌های متعدد شرکت جسته و همواره به دلیری و رزم‌آزمایی مقامی ممتاز داشتند (عنان، ۱۳۶۹: ۳/۴۳۱).

سُودانی، صَقَلَبی‌ها و عُز (ترک): از آن‌ها در منابع زیاد نامی دیده نمی‌شود. یوسف بن تاشفین گروهی از آن‌ها را در سپاه خود استخدام کرد (ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۱۶۷) و بسیار آن‌ها را مورد محبت و شفقت خود قرار می‌داد (عنان، ۱۳۶۹: ۳/۴۳۱) و حتی از آن‌ها تقدیر به عمل می‌آورد (اشباخ، ۱۹۵۸: ۱۱۴؛ نصرالله، ۱۴۰۵: ۱۷۱). یوسف همچنین جماعتی از صقالبه را جزو سپاه مخصوص حراست خود قرار داد (حلیل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۳).

۳- تدابیر جنگی

یکی از مهم‌ترین عناصر موفقیت در هر نبرد، تدابیر جنگی و برنامه‌ریزی عملیات نظامی محسوب می‌شد، مُرابطون در دوره دوم با توجه به توسعه سازمان نظامی، تدابیر جنگی متعددی در هر حوزه نبرد اتخاذ کردند که در روند پیروزی بسیار مؤثر بود. این امر مخصوصاً در تقابل با مسیحیان اندلس به‌خوبی مشهود می‌شد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

کمین: کمین یک تاکتیک جنگی است که برای نیروهای نظامی شناخته شده است. ترفندها در برخی از کمین‌ها نقش مهمی برای موفقیت آن‌ها دارند. نمونه‌ای از کمین‌های مُرابطون در زمان محاصره قلعه نفوذناپذیر بروطه توسط سیرین بکر، فرمانده مُرابطی بوده است. وقتی متوجه شد که محاصره به دلیل ذخایر عظیم غذایی در داخل قلعه شکست خورده است، وانمود کرد که عقب‌نشینی می‌کند. سپس سربازان خود را به شکل فرانک‌ها در لباس‌های مردم منطقه درآورد و نزد دشمنان رفتند. سیر نیز به همراه یارانش در تپه‌ای کمین

کردند. بدین ترتیب در زمان مناسب حمله صورت گرفت و با کمک نیروهای داخل قلعه موفق به فتح آن شدند (مقری، ۱۹۶۸: ۲/۵۳۲).

در عصر مُرابطی برخی از فقها را می‌یابیم که به فرهنگ نظامی نیز تسلط داشتند و در جنگ‌ها به پادشاهان خود پند می‌دادند. فقیه ابوزکریای صیرفی (ابن خطیب، ۱۹۶۴: ۲۶۰) در مورد کمین به علی بن یوسف توصیه می‌کند و می‌گوید: هنگام ملاقات با رومیان از کمین برحذر باشید، زیرا درحالی که دفاع می‌کنند، در پشت سر آن‌ها کمینی را در نظر داشته باشید (حلی الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۲۷). مُرابطون در جریان نبرد اقلیش در سال ۵۰۲هـ/ ۱۱۰۵م ابتدا محاصره صورت گرفت و چون به نتیجه نرسید سپس از آنجا دور شده و در کمین استقرار یافته و وانمود کردند که عقب‌نشینی کرده‌اند، پس مردم آن منطقه از محاصره خارج شده و در فرصت ایجاد شده، مُرابطون بر آن‌ها حمله کرده و برخی را به قتل رسانده و برخی را به اسارت بردند (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۶۶؛ ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۱۵۹).

حفر خندق؛ یکی از روش‌هایی است که برای افزایش استحکامات شهرها و پشتیبانی از قابلیت دفاعی دیوارها اتخاذ شده است. برای محافظت رزمندگان از چشم و آتش دشمن و ایجاد شرایط بهتر برای تیراندازی و حرکت دقیق باید در اعماق مختلف در زمین حفر شود (ابن خلدون، ۲۰۰۱: ۴۸۷). مُرابطون در برخی از نبردها از این روش استفاده می‌کردند. یوسف بن تاشفین زمانیکه به جزیره خضراء در سال ۴۷۹ق/ ۱۰۸۶م وارد شد اقدام به ساختن دیوارهای آن و حفر خندق کرد (حلی الموشیه، ۱۹۷۹: ۵۱؛ حمیری، ۱۹۷۵: ۷۴). اتخاذ تصمیماتی چون حفر خندق، آماده‌سازی محیط اردوگاه، نصب تجهیزات نظامی، منجیق، فَلَاحِن، ساختن پل، تغییر مسیر رودخانه‌ها و آماده‌سازی مسیرها برای هر نبرد توسط گروهی از افراد زبده انجام می‌شد (هروی، ۱۹۷۲: ۸۲).

سنجش شرایط محیطی: مرادی در کتاب *السیاسه*، می‌آورد؛ در خصوص خورشید طوری برنامه‌ریزی کنید که در هنگام برخورد در سمت شما، باد در هنگام حمله همراه شما و آب و چراگاه در محل پیاده شدن با شما باشد (مرادی، ۲۰۰۳: ۶۳). هنگامی که رومیان در سال ۵۳۰ق / ۱۱۳۵م در جَبَل القَصْر (حمیری، ۱۹۷۵: ۱۶۱) استقرار یافتند، تاشفین بن علی به دنبال آن‌ها تا کوه رفته و جنگی رخ داد که در آن سربازان تجربه خود را در جنگ کوهستانی نشان دادند و رومیان را شکست دادند (ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۱۸۷) مُرابطون در محاصره شهر فاس در سال ۵۳۶هـ/ ۱۱۴۱م نتوانستند با شرایط اقلیمی مقابله کنند، با توجه شروع فصل سرما

و زمستان، زمین از باران پوشیده و سرما شدت گرفت تا اینکه بسیاری از سربازان تاشفین به خاطر گرسنگی و مسدودی راه‌ها هلاک شدند (ابن عذاری، ۱۹۸۵: ۹۴/۴).

جنگ روانی: جلوه‌ای از جنگ روانی از طریق نامه‌ها و مکاتباتی که بین رهبران مسیحی و مُرابطون ردوبدل شد، مشهود است؛ از جمله آن مکاتبات یوسف بن تاشفین و آلفونسو، پادشاه قشتاله (کاستیل)، قبل از جنگ زُلاقه، ۴۷۹ق / ۱۸۶م. بود. این پیام‌ها میزان تحریک، تمسخر و تبادل فکری و کلامی بین دو طرف را نشان می‌دهد (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۵۳؛ ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۲۲۱). همچنین خواب آلفونسو قبل از جنگ زُلاقه همراه با حواس‌پرتی، ترس و وحشت (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۵۴) گواه وضعیت روحی و فشاری است که بر وی وارد می‌شد.

انتقال پیام: ارتباطات نظامی، ستون فقرات ارتش بود. آن‌ها شرایطی ایجاد می‌کردند که فرمانده می‌توانست نیروهای خود را در میدان جنگ کنترل کند (عبدالله، ۱۹۷۷: ۱۹۳؛ ثابت، ۱۹۳۹: ۴۱). یکی از عادات نظامی مُرابطون این بود که همواره در نظم و آمادگی بودند که گویی نبرد در جریان است و با صدای طبل در جایگاه‌های خود قرار می‌گرفتند. در دوران یوسف بن تاشفین تحولات خوبی در این حوزه رخ داد، استفاده از پرچم (طرطوشی، ۱۳۰۶: ۱۴۵) کبوتر نامه‌رسان (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۶۳) پیک‌ها (ابن عذاری مراکشی، ۱۹۸۵: ۴/ ۱۳۷) و طبل و کوس (عنان، ۱۳۶۹: ۳/ ۴۳۲)، مهم‌ترین وسایل ارتباطی ارتش مُرابطون بود.

ب) ساختار نیروهای نظامی مُرابطون

ارتش و نیروهای نظامی مُرابطون با اقدامات یوسف بن تاشفین، دچار تحول و تبدیل به ارتش دائمی شد. این امر مخصوصاً در تقابل با مسیحیان و حضور در اندلس بسیار مشهود بود. برای این اساس ساختار ارتش به‌عنوان نیروی نظامی به شرح زیر بود.

۱. طبقه جنگاوران

این گروه خط مقدم نبرد بودند و رودررو با دشمن درگیر می‌شدند (عبدالله: ۱۹۷۷: ۳۷) آن‌ها وظایف سنگینی برعهده داشته و بزرگ‌ترین بخش ارتش مُرابطی به حساب می‌آمدند. بر بقیه بخش‌ها ضروری بود که خدمات و شرایط مناسب برای دستیابی به پیروزی را برای آن‌ها فراهم کنند. طبقه جنگاوران خود نیز به موارد زیر تقسیم می‌شد:

یک) پیاده‌نظام: صف اول نبرد و خط مقدم با تلاش‌های شجاعانه پیاده‌نظام همراه بود. آن‌ها در دست نیزه‌هایی داشتند که با برافراشتن نیزه‌ها، همواره آماده نبرد بودند (ابن خلکان،

۱۲۹۹: ۲/ ۴۸۲) پشت پیاده‌نظام نیزه به دست صف مقدم، خط دیگری از پیاده‌نظام بود که تیراندازان ماهر و کمانداران را شامل می‌شد (محمود، ۱۹۵۷: ۳۸۶). طبقه پیاده‌نظام مُرابطون مستحکم در جایگاه خود قرار می‌گرفتند و شوک حمله دشمن را دفع می‌کردند (طرطوشی، ۱۳۰۶: ۱۴۵) به همین دلیل است که مُرابطون در نبرد بسیار سخت کوش و مقاوم بوده و اگر تعدادشان کم می‌شد نیز فرار نمی‌کردند، که به اعتقاد آن‌ها فرار در نبرد ننگ بود (بکری، ۱۹۶۵: ۱۹۶). علی‌رغم اینکه سواره‌نظام ستون اصلی ارتش مُرابطون بودند اما یوسف بن تاشفین به آمادگی روحی پیاده‌نظام بسیار اهمیت می‌داد و کار می‌کرد (اشباح، ۱۹۵۸: ۴۷۹)

دو) تیراندازان: از جمله طبقات مهم جنگاوران در ارتش مُرابطی به حساب می‌آیند. یوسف بن تاشفین تدابیر ویژه‌ای برای آموزش و مهارت آن‌ها مخصوصاً در تقابل با سرزمین‌های مسیحی به خرج داد (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۶۸) هرچند کمانداران از طبقه پیاده‌نظام به حساب می‌آید اما از نظر تسلیحات و وظایف متفاوت است. چه در موضع دفاعی و چه در موقعیت تهاجمی این گروه با سرعت عمل در پیشبرد اهداف نبرد بسیار مؤثر است. چینش نظامی تیراندازان در سپاه مرابطی به این شکل بود که مابین پیاده‌نظام و سواره‌نظام مستقر می‌شدند. تیراندازان مُرابطی به تسلط بر کمان و ضربات دقیق به دشمن مشهور بودند (محمود، ۱۹۵۷: ۳۸۳) آن‌ها در سپاه مُرابطون شامل؛ کمانداران (طرطوشی، ۱۳۰۶: ۱۵۴) و نیزه‌داران (ابن عذاری مراکشی، ۱۹۸۵: ۴/ ۱۱۷) می‌شدند.

سه) سواره‌نظام: که از ارکان اساسی جنگاوران بوده (عنان، ۱۳۶۹: ۳/ ۴۳۰) و حضور آن‌ها در نبردها به نحوی نتیجه را تغییر می‌داد و اصولاً پیروزی به حضور آن‌ها مرتبط بود. در مرحله اول و دوره جنبش مُرابطون با توجه به رویکرد قبیله‌ای سواره‌نظام محدود به شترسواران می‌شد؛ اما در زمان یوسف بن تاشفین و با توجه به رویکرد امپراتوری، ضمن حفظ شترسواران در سپاه مُرابطی، دستور داد از اسب در سواره‌نظام استفاده کنند و برنامه‌های متعدد و منظمی برای آموزش سواره‌نظام طراحی کرد و تعداد آن‌ها به هزار سواره‌نظام از قبایل مختلف افزایش یافت (عنان، همان: ۴۳۱). مُرابطون با توجه به موقعیت‌های مختلف دفاعی یا هجومی تصمیم می‌گرفتند چگونه از سواره‌نظام استفاده کنند؛ در موضع دفاعی، جنگ با پیاده‌نظام و تیراندازان شروع می‌شد و سپس سواره‌نظام وارد معرکه می‌گشت (بکری، ۱۹۶۵: ۱۹۶)؛ اما در موقعیت هجومی، نیروها به چند بخش تقسیم شده (اشباح، ۱۹۹۶: ۴۷۹) و سواره‌نظام در قلب سپاه قرار گرفته و تعیین‌کننده اصلی نبردها بودند (سارمرائی و دیگران،

[بی تا]: ۴۰۲). سواره‌نظام به دو بخش اصلی تقسیم می‌شد: سواره‌نظام سنگین: تمایل مُرابطون به سواره‌نظام سنگین از زمانی شروع شد که با مسیحیان اندلس به تقابل پرداختند (مونس، ۱۹۹۱: ۱۴۱) و سواره‌نظام سبک: به نظر می‌رسد، مُرابطون علاقه زیادی به این نوع سواره داشتند زیرا با طبیعت صحرای مغرب هماهنگی داشت و سرعت عمل و آزادی حرکت بیشتری برای آن‌ها فراهم می‌کرد.

چهار) شترسواران: این گروه از سوارکاران بر روی شتر بوده و همراه خود سپر، شمشیر و نیزه داشتند (ثابت، ۱۹۳۹: ۱۴۵). مُرابطون در ابتدا با توجه به زمان تأسیس و محیط مغرب قبیله صُنهاجی، متکی به شتر بودند (محمود، ۱۹۵۷: ۱۸۶). شکل پاها و نحوه راه رفتن شتر در ماسه‌های صحرا بسیار مناسب‌تر از اسب به شمار می‌رفت. شتر برای مُرابطون سلاح پنهان نبرد صحراهای مغرب اقصی بود (بکری، ۱۹۶۵: ۱۹۷). یوسف بن تاشفین برای تسخیر شهر طَنجَه از شترها استفاده کرد و شکست سختی بر دشمن وارد آورد (حلال الموشیه، ۱۹۷۹: ۵۵). هنگامی که مُرابطون به جهاد در اندلس رفتند، شترها به دلیل تفاوت محیط و تاکتیک دشمن برای جنگیدن نامناسب گردید. اگرچه اسب جانشین آن شد اما برای حمل گوی‌های سنگین، شتر کاربرد خاص خود را داشت (شعیره، ۱۹۶۹: ۱۱۹) مُرابطون همچنین برای رم دادن اسب‌های مسیحیان اندلس و پراکنده ساختن نظم سواران از شتر استفاده می‌کردند (ابن خلکان، ۱۲۹۹: ۲/۴۸۲).

پنج) منجیق داران: منجیق در ارتش مُرابطون برای جهاد در اندلس به کار برده شد (هروی، ۱۹۷۲: ۸۱). از منجیق برای شکستن حصار و قلعه‌ها و همچنین از داخل دیوارها و قلعه‌ها برابر نیروهای دشمن استفاده می‌شد (نصرالله، ۱۴۰۵: ۱۷۱).

شش) ناوگان دریایی: مرابطون بخصوص هنگامی که به اندلس وارد شدند و اندلس به صورت یکی از ایالت‌های مغرب درآمد، از اهمیت ناوگان دریایی جنگی غافل نشدند. سِبْتَه، قَادِس و اَلْمَرِيَّة پایگاه دائمی ناوگان ایشان بود. کشتی‌ها به گونه‌ای خاص در آب‌های سِبْتَه، طَنجَه، جَزیره اَلْحَضْرَاء و طَرِيف حاضر بودند که در مواقع لازم سپاهیان را از مغرب به اسپانیا یا از اسپانیا به مغرب می‌آوردند (عنان، ۱۳۶۹: ۳/۴۳۳).

هفت) نیروهای داوطلب: علاوه بر ارتش دائمی مُرابطی، کسانی بودند که داوطلب شدند و خود را از سر عشق به جهاد در راه خدا در اختیار ارتش قرار دادند. این گروه بیشتر در بحث حضور مُرابطون در اندلس و تقابل با مسیحیان مطرح شدند؛ زیرا مسلمانان در گذشته

اندلس را یک پایگاه اسلامی می‌دیدند که در آن جهاد و استقرار لازم بود (سامرائی و دیگران، [بی‌تا]: ۴۰۰) هزاران داوطلب از قبایل و گروه‌های مختلف حتی با حضور فقها و علماء، به ارتش پیوستند (هرفی، ۱۴۰۵: ۲۵۹) مانند فقیه ابوالعباس بن رمیله قُرطبی و قاضی مَراکش، عَبْدُ الْمَلِكِ مَصْمُودِي، که در جنگ زُلاقَه شرکت کرده و در آن به شهادت رسیدند (صلابی، ۲۰۰۵: ۱۰۷).

۲. آماد و نگهداری

نیروهای اطلاعاتی و شناسایی: تمهیدات و مقدمات نبرد برعهده آن‌ها بود؛ که مهم‌ترین آن عبارتند از نیروهای شناسایی: وظایف اصلی این گروه، مجموعه اقدامات برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد تحرکات دشمن و کشف موقعیت‌های استقرار آن‌ها بود. این گروه نقش فعالی در شناسایی موقعیت زُلاقَه و تدابیر جنگی آن داشتند (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۵۹). همچنین امیر تاشفین بن علی از آخرین امرای مُرابطی، به شدت وابسته به نیروهای شناسایی بود، زمانی که او اشیلیه را برای نبرد با دشمن ترک کرد، از قبل اطلاعات زیادی از مسیر و نحوه حمله توسط این گروه به دست آورده بود (ابن عذاری مراکشی، ۱۹۸۵: ۴/۸۸).

چشم و گوش‌ها: چشم و گوش‌ها یا جاسوسان گروهی بودند که وظیفه آن‌ها نفوذ و جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات دشمن و همچنین خنثی‌سازی تحرکات آن‌ها بود. با وجود مشکلات عدیده وسایل ارتباطی و انتقال اطلاعات این حوزه همواره اهمیت داشته و تشکیلاتی برای آن در نظر گرفته می‌شد (هروی، ۱۹۷۲: ۷۹؛ جبوری، ۱۹۸۹: ۳۱). مُرابطون همواره جاسوسانی برای تهیه اخبار دشمن و نقاط ضعف آن‌ها ارسال می‌کردند (اشباخ، ۱۹۵۸: ۴۸۰). مخصوصاً در جهاد با اندلس و به نظر می‌رسد که بخشی از آن را از امرای ملوک الطوائف وام گرفته و توسعه دادند (سلاوی ناصری، ۱۹۵۴: ۲/۴۲). آن‌ها همچنین جاسوسانی برای ردیابی اخبار دشمن و موقعیت‌یابی به منظور ایجاد پایگاه‌های نظامی در نقاط استراتژیک داشتند (Thomron, 1969: 167). یوسف بن تاشفین در نبرد زُلاقَه از طریق جاسوسان از غافلگیری و نقشه دشمن مطلع گشت (ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۱۵۰). او همچنین در نظر داشت رهبر قبیله کازوله، محمد بن ابراهیم الکیزولی را از طریق جاسوسان از میان بردارد که به نتیجه نرسید!

۱. یوسف بن تاشفین برای از میان برداشتن رهبر قبیله کازوله، محمد بن ابراهیم الکیزولی جاسوسی به آن قبیله فرستاد و در لباس محلی وارد شد اما او شناسایی گشت برای بار دوم از طریق عسل خواست او را مسموم

۳. تدارکات و پشتیبانی

برگزاری اردوی جنگی و تداوم جریان نبرد، نیاز به حمایت و پشتیبانی داشت که کلیه امور مورد نیاز را آماده و فراهم می‌کرد: مانند تهیه چادر و خیمه، تأمین آذوقه و تجهیزات (به‌ویژه سلاح)، مهیا کردن غذاها، حمل سلاح‌های سنگین، آماده‌سازی پزشکان و پرستاران برای مداوای مجروحان و انتقال آن‌ها، حل اختلافات احتمالی بین سربازان، تقسیم غنائم، اسرای جنگی و امورات مختلف اداری مرتبط با جنگ (عبدالله، ۱۹۷۷: ۱۹۱-۱۹۲). نوع تأمین و حمل و نقل در ارتش مُرابطون، مدیریت و تأمین لوازم جنگی و سایر ملزومات برای ادامه نبرد و تحویل آن‌ها به‌گونه‌ای بود که برای رزمندگان قابل دسترسی می‌شد (شعیره، ۱۹۶۹: ۱۲۰)؛ که مهم‌ترین آن‌ها شامل ارزاق و جیره غذایی، سلاح، چادر و وسایل اقامتی و دیگر مواد مورد نیاز اردوی جنگی بود (اشباخ، ۱۹۵۸: ۴۸۰). بخش‌های دیگری نیز در حوزه پشتیبانی قرار داشت که به‌ویژه با اقدامات یوسف بن تاشفین فعال شد. کلیه امور اداری جذب و آموزش سربازان در هر بخش از ارتش، کلیه امور مربوط به خدمات پزشکی در میدان نبرد و پس از نبرد (وتر، ۱۹۸۵: ۲۹۱). آن‌ها همچنین تحقیقات پزشکی و مسائلی چون بیماری‌های متعدد و یا شرایط جوی منطقه‌ای که قرار است نبرد آنجا اتفاق بیفتد را نیز بررسی می‌کردند. مرابطون علاقه زیادی به پزشکان و تحقیقات پزشکی داشتند و آن‌ها را تشویق می‌کردند (ابن

الابار، ۱۸۸۶: ۱/۴۱). بودجه و تهیه منبع مالی: منابع تأمین مالی مُرابطون جهت امورات جنگی متعدد بود، در مرحله اول از جمله وجوه زکات، عشر و صدقات، برای خرید تجهیزات جنگی، هزینه سربازان و آموزش آن‌ها استفاده می‌شد (ابن ابی زرع، ۱۹۳۶: ۱۲۶؛ عنان، ۱۳۶۹: ۳/۴۳۳) و در مرحله دوم غنائم اهمیت داشت. عبدالله بن یاسین در حمله خود به درعا، غنائم فراوانی به

کند بازهم موفق نشد. کازوله نامه‌ای به یوسف فرستاد و در آن نوشت: «تو می‌خواستی مرا به هر طریقی بکشی و خدا راز تو را فاش کرد، این کوه که من و قبایل ام در آن هستیم در مقایسه با کشور شما مانند یک خال سفید در بدن گاو سیاه است. خدا مرا کش را با آن همه وسعت به تو اعطا کرده و هنوز راضی نیستید» (نوبری، ۱۹۵۵: ۲۴/۱۴۹-۱۵۰) امیر یوسف از آن منصرف شد.

همراه پنجاه شتر به دست آورد (سلاوی ناصری، ۱۹۵۴: ۲/۴۹). در نبرد زُلاقَه نیز غنائم بسیاری به دست مُرابطون افتاد (ابن عذاری مراکشی، ۱۹۸۵: ۴/۷۷).

نتیجه‌گیری

مُرابطون اولین حکومت قبایل بربر بودند که در قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی بیشترین مناطق مغرب و اندلس را تحت حاکمیت خود درآوردند. دولت مُرابطون، از بدو تأسیس، یک دولت نظامی و جهادی بود و پس از تحکیم پایه‌های قدرت، گسترش مرزها و ایجاد امپراتوری، تشکیلات اداری و دیوانی در آن توسعه یافت، با این وجود شخصیت نظامی همچنان بر آن دولت غلبه داشت. آن‌ها در ابتدا جنبشی دینی و با هدف جهاد در صحرای مغرب ایجاد کرده و سپس فراتر از مغرب، به اندلس روی آورده و به تقابل با مسیحیان پرداختند. گونه‌شناسی قدرت نظامی مُرابطون ما را به این نکته رهنمون می‌کند که جنبشی دینی با استمداد از سنت‌های قبیله‌ای و تأیید فقهای مالکی حرکت خود را شروع و سپس تبدیل به دولت مقتدر شدند که جهاد در سرزمین اندلس برابر مسیحیان را پیگیری کردند. این امر با ساختار و تشکیلات نظامی قدرتمندی اتفاق افتاد که آن به دست یوسف بن تاشفین رقم خورد. با روی کار آمدن یوسف بن تاشفین، جنبش مُرابطون متحول گشته؛ بدین منظور که در مرحله اول از ساختار قبیله‌گرایی خارج و تبدیل به دولت فراگیر شد. در مرحله دوم، پس از گسترش فتوحات اسلامی در مغرب و نفوذ در اندلس نیاز به سلاح‌ها و وسایل حمل و نقل جدید بیشتر احساس گشت. بدین منظور برای رویارویی با دشمنان، به اندیشه سلاح‌های سنگین، وسایل دفاعی و حمل و نقل روی آوردند. بر این اساس با توسعه و گسترش ارتش و تشکیلات نظامی، نیاز به عناصر جدید و تنظیم سیستم اداری که آن را کنترل کند، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ بنابراین نیروهای نظامی و ارتش مُرابطون، گسترده شده و پس از فتوحات و پیروزی‌های بزرگ، تبدیل به ارتشی دائمی و خطرناک شد. عناصر، ساختارها و تشکیلات نیروهای نظامی مرابطون مهم‌ترین عامل اقتدار سیاسی آن‌ها را رقم زد و در نبردهای متعدد داخلی و خارجی آن‌ها را پیروز گرداند.

فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم

- ابن ابی دینار، ابی عبدالله محمد بن قاسم (١٩٦٧) المونس فی اخبار افريقيه و تونس، تحقيق: محمد شمام، تونس: مطبعه الدوله التونسيه.
- ابن ابی زرع، علی بن محمد بن احمد فاسی، (١٩٣٦) الانيس المطرب روض القرطاس فی اخبار ملوك المغرب و تاريخ مدينه فاس معروف به روض القرطاس، تحقيق محمد هاشمی فیلالی، مراكش: المطبعه الوطنيه.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد (١٩٦٧م). *الكامل فی التاريخ*، بيروت: دار الصادر و دار بيروت.
- ابن الأبار، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (١٨٨٦) التکلمه لکتاب الصلّه، مدرید.
- ابن خطیب، لسان الدین، (١٩٧٧) الاحاطه فی الاخبار غرناطه، تحقيق: محمد عبدالله عنان، مصر: دارالمعارف.
- ابن خطیب، لسان الدین (١٩٦٤) اعمال الاعلام فی من بویع قبل الاحتلام من ملوك الاسلام، تحقيق: احمد مختار العبادی و محمد الکتانی، مغرب: دار الكتاب، دار البيضاء.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (١٩٥٦-١٩٥٩م). *العبر و دیوان المبتداء و الخبر*، بيروت: دارالكتاب البنانی.
- ابن خلدون، (٢٠٠١)، مقدمه، به کوشش خلیل شحاذه، سهیل زکار، بيروت: دارالفکر.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین (١٢٩٩ق) وفيات الاعیان و ابناء الزمان، قاهره: مطبعه المعارف.
- ابن عذارى المراكشى، ابوالعباس احمد (١٩٨٥)، *البيان المغرب فی اختصار اخبار ملوك الاندلس و المغرب*: تحقيق مجموعه من الأستاذة، بيروت: دار الغرب الإسلامی.
- ابن قطان مراكشى، ابوالحسن علی (١٩٩٠)، *نظم الجمان*، تحقيق محمود علی مکى، بيروت: دارالغرب الإسلامی.
- ابن وردی، عمر بن مظفر (١٤١٦) تاريخ ابن الوردی، بيروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- اشباخ، یوسف (١٩٩٦) *تاريخ الاندلس فی عهد المرابطين و الموحدین*، ترجمه محمد عبدالله عنان، قاهره: مکتبه الخانجی.
- بکری، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز، (١٩٦٥) المغرب فی ذکر بلاد افريقيه و المغرب، تحقيق، دوسلان، پاریس: [بی نا].
- ثابت، نعمان (١٩٣٩) *الجنديه فی الدوله العباسیه*، بغداد: مطبعه بغداد جدید حسن باشا.
- جبوری، نهاد عباس شهاب (١٩٨٩) *تدابیر الامن العسکری فی صدر الاسلام*، بغداد: دار الحریه للطباعه.

- حسن، حسن علی (١٩٨٠)، الحضاره الاسلامیه فی المغرب و الاندلس فی عصر المرابطين و الموحدین، مصر: مکتبه الخانجی.
- حسن بیگی، محمد (١٣٩٦) «کاربست نظریه بسیج منابع در تبیین جنبش اجتماعی مرابطون» فصل نامه پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز ١٣٩٦ صص ٢٣-٥.
- العطل الموشیة فی ذکر الأخبار المراكشیة (١٩٧٩م). تحقیق سهیل زکار، مغرب: الدار البيضاء.
- حمیری، محمد (١٩٧٥) الروض المعطار فی خبر الاقطار، تحقیق: احسان عباس، بیروت: مکتبه بیروت.
- دیری، اکرم، (١٩٨٤) آراء فی الحرب، بیروت: الموسسه العربیه للدراسات و النشر.
- ذنون طه، عبدالواحد (٢٠٠٤) تاریخ المغرب العربی، بیروت: دارالمدار الاسلامی.
- رهبری، نسرین و خضری، سیداحمدرضا (١٣٩٨) «کاربست مذهب در سیاست داخلی مرابطین» فصل نامه تاریخ اسلام، سال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ١٣٩٨، صص ٦٧-٨٥.
- زغروت، فتحی (٢٠٠٩) النوازل الکبری، مصر: الاندلس الجدیده للنشر و التوزیع.
- زغلول، سعد (١٩٦٤) تاریخ المغرب العربی من الفتح حتی دول الاغالبه و الرستمیین و الادارسه، قاهره: [بی نا].
- سالم، عبدالغزیز (١٩٩٩) تاریخ مغرب فی العصر الاسلامی، اسکندریه: موسسه شباب الجامعه للمطبعه و النشر و التوزیع.
- سامرائی، خلیل ابراهیم، عبدالواحد ذنون طه و ناطق صالح مطلوب، [بی تا] تاریخ العرب حضارتهم فی الاندلس، بیروت: دارالمدار الاسلامی.
- سلاوی ناصری، احمد بن خالد (١٩٥٤) الاستقصاء لاجبار دول المغرب الاقصی، مغرب: وزارت الثقافه و الاتصال، دار البيضاء.
- شعیره، محمد عبدالهادی (١٩٦٩) مرابطون تاریخهم السیاسی، قاهره: مکتبه القاهره الحدیثه.
- شهیدی پاک، محمدرضا (١٣٨٩). تاریخ تحلیلی مغرب، قم: جامعه المصطفی.
- صلابی، علی محمد (٢٠٠٥) دولتی المرابطین و الموحدین فی الشمال الافریقی، بیروت: دارالمعرفه.
- طائی، عادل عواد، (٢٠١٣) «مفهوم التقری عند المرابطین، درسه فی التاریخ العسکری» مجله، عصور الجدیده، العدد ٧-٨، جامعه وهران، ٢٠١٣، صص ٧٦-٦٨.
- طرطوشی، ابوبکر محمدبن ولید (١٣٠٦هـ) سراج الملوک، قاهره: المطبعه الخیریه.
- عبادی، عبدالحمید (١٩٥٨) المجلد فی تاریخ الاندلس، قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- عبدالله، یوسف خلف (١٩٧٧) الجیش و السلاح فی العهد الآشوری الحدیث، بغداد: جامعه بغداد.

| گونه‌شناسی تحولات و ساختار قدرت نظامی مُرابطون ... | ٤٣

- عنان، محمد عبدالله (١٣٦٩) تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، ج ٢ و ٣ تهران: کیهان.
- عویس، عبدالحلیم (١٤١٢) دوله بنی حمّاد؛ صفحه رائعه من التاريخ الجزائری، منصوره و قاهره: دارالعرفاء و دار الصحوه.
- محمود، حسن احمد (١٩٥٧) قیام دوله المرابطین، قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- مرادی، محمد بن الحسن (٢٠٠٣) کتاب السیاسه أو الإشاره فی تدبیر الإمارة، تحقیق محمد حسن إسماعیل وأحمد فريد المزیری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مراکش، عبدالواحد (١٣٩٠). المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، ترجمه: محمد رضا شهیدی پاک، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مرینی، عبدالحق (١٩٩٧) الجيش المغربي عبر التاريخ، رباط: مطبعه المعارف الجدیده.
- مقری، احمد (١٩٦٨) نفح الطیب من غصن الاندلس الرطیب، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- مونس، حسین (١٣٨٤). تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه: حمیدرضا شیخی، ج ٢، تهران: سمت.
- مونس، حسین (١٩٩١) من وثائق المرابطین، (الوثیقه الاولی) الثغر الاعلی الاندلسی فی عصر المرابطین، مکتبه الثقافه الدینیه.
- ناصری طاهری، عبدالله (١٣٨٨)، مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نصرالله، سعدون، (١٤٠٥) دوله المرابطین فی المغرب و الاندلس عهد یوسف بن تاشفین، بیروت: دارالنهضه العربیه.
- نویری، شهاب الدین احمد (١٩٥٥) نهاییه الارب فی فنون الادب، قاهره: دار الکتب المصریه.
- وتر، محمد ظاهر (١٩٨٥) فن الحرب الاسلامی فی عهد الرسول (ص)، الاداره العسکریه فی حروب الرسول محمد (ص)، دمشق: دارالفکر.
- هرفی، سلامه (١٤٠٥) دوله المرابطین فی عهد علی بن یوسف بن تاشفین، دراسه سیاسیه و حضارته، بیروت: دارالندوه الجدیده.
- هروی، علی بن ابی بکر (١٩٧٢) التذکره الهرویّه فی الحیل الحریبه، تحقیق: مطیع المرابط، دمشق: مطبعه وزاره الثقافه.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله (١٩٥٧م). معجم البلدان، بیروت: دار صادر.

منابع انگلیسی:

- Al-Tae, Adel Awad, (2014) "The armament of the Almoravid army", Al-Andalus Maghreb: Revista del área de estudios árabes e islámicos y grupo

de investigación "Al-Andalus Maghreb" Universidad de Cádiz. Volume 21 (2014) pp 137- 172.

- Bennison, A. K. (2016) *The Almoravid and Almohad Empires. The Edinburgh History of Islamic Empires.* Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Bennison, A. K. (2002) *Jihad and its Interpretations in Precolonial Morocco,* London: Curzon.
- Gómez-Rivas, C. (2021). *Berber Rule and Abbasid Legitimacy: The Almoravids (434/1042–530/1147).* In *The Routledge Handbook of Muslim Iberia.* UC Santa Cruz. Report #: 5.
- Masonen, Pekka and Humphrey Fisher, (1996) “Not quite Venus from the waves: the Almoravid conquest of Ghana in the modern historiography of western Africa” *History in Africa*, 23 (1996): 197–232.
- Menéndez Pidal Ramón, (1934) *the Cid and His Spain,* J. Murray.
- Messier, Ronald, (2010) *The Almoravids and the meanings of jihad,* Library of Congress Cataloging- in Publication This book is also available on the World Wide Web as an eBook. Visit www.abc-clio.com for details.
- Thomron, Ea, (1969) *The Golths In Spain,* Oxford.

A Typology of Evolutions and Structure of the Almoravids Military Power (441-541 AH/ 1049-1147 AD)

*Mohammad Hassan Behnamfar**

Abstract

The Almoravids as one of the most important Islamic states in the fifth century AH (the eleventh AD), after consolidating power and establishing legitimacy, ruled Maghreb and Andalusia. They first formed the movement in the Sahara and then succeeded to establish a government by careful planning and changing the military organization. On the one hand, supremacy over the various Maghreb tribes and domination over them, and the presence in Andalusia and jihad against the Christians, on the other hand, led to the formation of the Almoravids political power. Therefore, the analysis of the role of the evolutions and organization of the Almoravids in the establishment of their rule has been considerably important. Accordingly, the present study with a descriptive-analytical approach and by emphasizing the sources about and of this period tried to investigate the causes of the formation of the military power of the Almoravids and the changes they made in the military organization. The findings indicate that the Almoravids initially exploited the Maghreb's capacity for hegemony of power and established their sovereignty. Then they reformed the structure of the army and advanced to Andalusia for jihad. At this stage, they developed and innovated the army, and planned for various battles.

Keywords: Almoravids, Maghreb, evolutions, military organization.

* Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Engineering Higher Education Complex of Esfarayen; Email: behnamfarb@gmail.com

|Received: August 10, 2021; Accepted: September 30, 2021| DOI:10.29252/HSOW.5.3.25|